



# آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۵۵

ضمیمه شماره ۹



۲۱  
e.com

اردیبهشت

روز شهادت

خسرو روزبه

قهرمان ملی

ایران

روز زندانیان

سیاسی ایران

# همه با هم از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

اگر زنده ماندن مشروطیه هتک حیثیت،  
تن دادن به پستی، گذشتن از آبرو و،  
با نهادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی  
واجتماعی باشد، مرگ صد بار بر آن شرف  
دارد.

## خسرو روزبه

میمن پرستان ایران سالهاست که از ۲۱ اردیبهشت، روز شهادت قهرمان  
ملی ایران، خسرو روزبه، بمثابه روز زندانیان سیاسی ایران، تجلیل میکنند.  
هیچده سال پیش خسرو روزبه، که در سراسر زندگیش آتش خدمت به خلق—  
های ایران در درون سینه اش شعله میکشید، بدام دشمن بدنهاد و فریبکار  
افتاد. وی پس از ایستادگی حماسه آمیز در تنگنای زندانهای شاه، تحمل شکنجه—  
های اهریمنی و دفاع شورانگیز در دادگاه های کذائی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت



رفقا  
علی خاوری و  
پرویز حکمت جو  
در دادگاه نظامی

۱۳۲۷ بفرمان شاه تیرباران شد.  
شهادت روزبه، بپرغم جلادان  
تلافی جوی او، که با قتل این دلاور  
از مردم زهرچشم میخواستند بگیرند،  
خاموشی مرگبار آن دوران را در هم—  
شکست و عزم مقاومت پیکارجویان را  
در برابر ستمگران باردیگری انگیخت  
و شدت افزود.

در این بررسی کوتاه انگیزه ما  
آنستکه نگاهی به وضع اسفناک  
اسیران حکومت خون آشام ایران  
بیا فک کنیم، بار دیگر از چهره منحوس

در خیمان آریامهر پرده براندانیم، بیش از پیش نیروی خود را برای آزادی

زندانیان سیاسی بکار بریم، از آرمان های انسانی و پیکار جویانه سیما های تابناک آسمان تیره میهن ما الهام بگیریم و بدینسان در بزرگداشت خا طره روزیه، این رزم آور جانپاز، سهمیم باشیم.

یکی از ره آورد های شاه فراری پسر از کودتای "سیا" ساخته ۲۸ مرداد



پایمال خشونت آمیز و ربرمنشانه حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک در ایران بود. این سیاست با پیگیری سماجت آمیز تا با مرزینیز دنیال میشود. شاه با تمرکز قوای مقننه، قضائی و اجرائی در دست خود اصول "تمام قوا ناشی از ملت است" (اصل ۲۶ مضم قانون اساسی ایران) و "قدرت حاکمه بر اراده ملت مبتنی است" (بخش نخست ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر که با اتفاق آراء از تصویب مجلس ایران گذشته است) را به افسانه ای بدل کرده است.

### شکرالله بالونژاد

یکی از ویژگی های بنیادی حکومت کودتا در سال های گذشته کارستقریر در همه گستره های زندگی اجتماعی و قانون شکنی های بی دریغ بود. ما است. این ویژگی به شکل های مختلف و در پهنه های گوناگون، از جمله منع احزاب ملی و دموکراتیک و اجتماعات، اختناق مطبوعات، سرکوب زحمتکشان و روشنفکران

میهن پرست، بخون کشیدن تظاهرات و اعتصابات، دادگاه ها و تبعید های  
خلاف قانون، شکنجه زندانیان سیاسی، کشتار مخالفان رژیم و بیک سخن تروریسم  
آشکار پدیدار میشود.

رژیم کودتا زاده، که فرمانروائی منحوس خود را با دستبرد های راهزنانه  
به قانون اساسی (تشکیل مجلس سنا، تفویض حق انحلال مجلس به شاه و غیره )  
آغاز کرد، با تحمیل جبارانه نظام باصطلاح شاهنشاهی واپسین گام را در راه  
تعطیل مشروطیت برداشته است. جنبه های گوناگون استبداد محمد رضا شاه  
تا کنون در نشریات متعدد احزاب و نیروهای پیشرفت جوی کشور ما مورد بررسی  
قرار گرفته است. ما در این جزوه بویژه به زندان ها و زندانیان سیاسی، بچگونگی  
بخشی جدائی ناپذیر از دستگاه خودکامگی رژیم ترور و اختناق شاه و مولود  
نامیمن امتزاج نامشروع امپریالیسم خارجی و ارتجاع داخلی، می پردازیم.

سازمان امنیت ابرار ترور رژیم شاه

سازمان امنیت و اطلاعات کشور  
(ساواک) یکی از ابزارهای عمده  
فرمانروائی امپریالیسم و ارتجاع پر  
خلق های ایران و جزئی گسست -  
ناپذیر از دستگاه دولتی سرکوب  
و اختناق بشمار میرود. این سازمان  
که دنبال "منطقه" پلیس مختاری،  
دستگاه جاسوسی رکن استاد ارتش  
و فرمانداری نظامی است، در جاسوسی  
وحشیگری و آدم کشی دست همه  
اسلاف خود را از پشت بسته است.



آیت الله حاج سید محمود طالقانی

تاسیس ساواک در سال ۱۳۳۵ در خدمت تأمین برنامه های درازمدت رژیم برای تحکیم قهر آمیز مناسبات سرمایه داری و سیاست خارجی توسعه طلبانه و پابهای گسترش دستگا منظامی-پوزیکراتیک صورت پذیرفت. بموجب ماده ۱ " قانون تشکیل سازمان امنیت " سازمانی بنام اطلاعات و امنیت کشور وابسته به نخست وزیری تشکیل میشود و رئیس سازمان سمت معاون نخست وزیر را داشته و بفرمان اعلیحضرت هماپون شاهنشاهی منصوب خواهد شد.



رفیق آصف رزم دیده

(تکیه از ماست)

سازمان امنیت زیر نظر مستقیم کارشناسان آمریکائی و اسرائیلی پایه گذاری شده و شکل گرفته است. این سازمان دارای هزاران (بنابیر تخمین بیش از ۱۰ هزار) کارمند دائمی و غیر دائمی و مجهز به مدرن ترین وسائل مخابرات، عکس و فیلم برداری سری، ضبط صوت، انگشت نگاری و منبهم تر از همه، شکنجه است. پندایر همه های گوناگون ساواک وظایف ویژه ای محول شده است. اهم آنها عبارتست از نظارت بر کارخانه ها، ادارات، دانشگاه ها، سفارت خانه ها، اماکن عمومی و غیره. در جریان اصلاحات ارضی و تشکیل سپاه های دانش، بهداشت، آبادانی و غیره ساواک شبکه های خود را بهره در روستاها توسعه بخشید. تاسیس حزب باصطلاح " رستاخیز " طبیعتاً " مسئولیت های " جدیدی برای ماموران ساواک پدید آورده است.



## رفیق صابر محمد زاده

گستره جاسوسی و خرابکاری  
 نوکران سازمان امنیت در مرزهای  
 ایران پایان نمی پذیرد • فعالیت -  
 های تحریک آمیز عمال ساواک در  
 کشورهای همسایه ما دیگر را زی  
 است گشوده • ایرانیان، بپوژه دا -  
 نشجویان ایرانی مقیم خارج، با  
 شایعه پراکنی ها، دسیسه ها،  
 کارشکنی ها، تبلیغات و تحریکات  
 ساواکیان در اروپای باختری و آمریکا  
 آشنا هستند • شعبه های سازمان  
 امنیت در کشورهای خارجی بارها  
 کوشیده اند تا با همکاری سفارت‌های

ایران، با قطع ارز و کمک هزینه تحصیلی، عدم تعدید گذرنامه، تهدید دانشجویان  
 و خانواده های آنها به دانشجویان بیکار جو فشار وارد آورند • یکی دیگر از تاکتیک‌ها  
 سازمان امنیت برای خنثی کردن فعالیت های افشاگرانه دانشجویان در خارج تشکیل  
 اتحادیه های زرد دانشجویی و محفل های ارتجاعی بوده است • دستخط نامبارک  
 سازمان امنیت نیز بشکل نشریات متنوع، که گاه گاهی نیز رنگ " ادبی " و " علمی "  
 بخود میگیرند، مرتب و نامرتب به دست ایرانیان مقیم خارج میرسد • اسناد فراوانی  
 که در سال های گذشته منتشر شده است همکاری و همدستی پلیس پاره ای از کشور -  
 های باختری را با ساواک بشبوت میرساند • بنابراین نباید تعجب کرد که بعضی ها  
 به ساواک لقب " افتخار آمیز " شعبه " سیا " را عطا کرده اند • همچنین نباید از یاد  
 برد که عمال چپ نمای سازمان امنیت به برخی گروه های سیاسی و سازمان های

دانشجویی نیز رخنه یافته اند و در اتحاد "نامقدس" با "جبه گرایان" پیوسته  
 دسیسه کاری و فتنه انگیزی میان مبارزان اشتغال دارند .

در این واقعیت که ساواک یکی از مجهزترین و مخوفترین سازمان های پلیسی  
 جهان است، تردیدی نیست . ساواک در بیست سال حیات شوم خود پدیدون آتسکه  
 به هیچ قانونی ، مجزیی قانونی ، عقید باشد و بی آنکه در برابر هیچ مقامی احساس  
 مسئولیت کند ، به پیگرد ، شکنجه و کشتار آزادگان کشور ما دست یازیده است .

اسارت مبارزان بدست ما موران

ساواک با دستگیری و یا ربودن آنها

آغاز میشود . دستگیری های ساواک ،

اگر بشود لحظه ای جنبه غیر انسانی

آنها را فراموش کرد ، بعضی وقتها آدم

را بیاد آرتیست بازیهای فیلم های

جنائی بنجل آمریکائی می اندازد .

معمولا ، نخست یکی دوتن ما موریسا

لباس شخصی در میزنند و پنبهانه های

کوناگون وارد منزل میشوند . سپس ،

بحالمت آنها کمانده های پلیسی و نظامی

ملازمشان ، بخانه نیروش می برند . ساکنان

خانه و مهمانان را بگوشه های جمع و اثاث منزل را بکلی زیرورو میکنند . این "تفتیش"

اغلب با توهین و تحقیر حاضران و کتک و شلاق زدن آنها توأم میشود . جسمها

که یادداشتهای خصوصی ، عکس های خانوادگی ، نشانی و یا شماره تلفن دوستان

و آشنایان و حتی کتب و مجلاتی که آزادانه بدست میاید ، بعنوان مدرک مجرم ضبط

میکردد . دز یکی از نامه های محصلین علوم اسلامی (حوزه علمیه قم) بد کمیسو ن



سعیدسلطانپور:

حقوق بشر میخوانیم:



دکتر محمود دولت آبادی

"۰۰۰ ما مورین سازمان امنیت  
با قیافه‌ای وحشتناک بسد ون  
تشریفات قانونی وارد منزل  
حجت‌الاسلام آقای ریانی می-  
شوند و با ایجاد رعب و وحشت  
در محیط منزل ناراحتی  
خانواده معظم لمر افر اهم  
می سازند که منجر بسقط جنین  
و کسالت ممتد خانواده ما ایشان  
میشود ۰۰۰"

در سال های اخیر ساواک

شیوه ریودن پنهانی افراد را به دستگیری آنها ترجیح میدهد. مردم بیگناه را در  
کوچه و برزن میگیرند و با چشم بسته روانه شکنجه گاه ها میکنند. بستگان این قربانیان  
مدتها از آنها بی خبر می مانند و پس از دوندگی های فراوان احیاناً از دستگیری-  
شان بوسیله ساواک اطلاع حاصل میکنند. یکی از روش های محبوب مزدوران شاه  
در دوران اخیر کشتار مبارزان ضد رژیم در "زد و خورد های خیابانی" است، که  
در تبلیغات ساواک "برخورد های نظامی" نامیده میشود.

در دستگیری افراد ماده ۱۹۳ "قانون مجازات عمومی"، مبنی بر لزوم حکم  
"مقامات صلاحیت دار" ابداً رعایت نمیکرد. بخلاف ماده ۱۲۴ "آئین دادرسی  
کیفری"، که طبق آن ظرف ۲۴ ساعت باید علت توقیف به اطلاع متهم برسد،  
زندانیان ماهها در شکنجه سراها "مهمان آقایان" ساواک هستند، بدون آنکه  
از مستند قضائی توقیف خود اطلاع یابند.



بر پایه اطلاعات پراکند های که درباره شرایط داخلی زندانهای ایران موجود است، میتوان گفت که وضع زندانهای ایران به مفهوم راستین کلمه د هشتتاک و مرگ — زاست. در زندانهای عمومی اکثراً ۱۶-۱۵ نفر را در يك سلول کوچک جای میدهند. موقع خواب زندانیان مجبورند که پاها را زیر شکم جمع کنند. شرایط زندانهای انفرادی<sup>ک</sup> از این هم بدتر است. برای نمونه، خسرو روزه در رساله دفاعیه خود چنین بیان می دارد:

" زندان من در حقیقت شبیه حجره ایست از یکی از حمام های سابق — فقط يك در دارد که با تاق دیگر باز میشود و در آن اتاق نیرنویه خود يك دالان سر بسته باز میگردد و بدین ترتیب میتوان با جرات گفت که

هنوز قسمتی از هوای هشتاد سال  
پیش که هنگام طاق زدن این اتاق  
در آن محبوس گردیده است و از  
سینه های به سینهدیگر انتقال یافته  
است با تمام خواص اکتسابی خود  
وجود دارد و بکرات بافت های  
ریه مرا آزار داده است."



حسن یفانی

در سلول های انفرادی زندانیان جا

برای دراز کشیدن ندارند و سقف آنها  
باندازه ای کوتاه است که زندانی نمیتواند<sup>ند</sup>

روی پا بایستد. بسیاری از زندانیان  
مجبورند که روی تود های از گاه بخوابند.

یکی از اعضای حزب توده ایران در باره سلولی که ماه ها در آن زندانی بود هاست

چنین مینویسد :

"سلولی بود بحرض يك متر و نیم

در آن بسته و چراغ بالای سر آن خاموش بود . تخت خواب من عبارت بود از يك سکوی

کلبین و زیر و رویم را دو پتوی کهنه چرکین میانداختم . . . . "

غذای زندان بهیچوجه قابل خوردن نیست . در نامه بالا در این مورد گفته

میشود :

" . . . در شبانه روز دو بار ، هر بار دو تنگه نان ، مقداری آب با

چند دانه نخود بعنوان غذا بمن میدادند . "

زندانیان سیاسی زندان شماره ۴ قصر تهران در نامه ای به سازمان های جهانی

مینویسد :

" ما مورین زندان از قبول غذا

خودداری میکنند و حتی غذای

۳۰ نفر تا دفتر زندان شماره ۴

قصر هم آمد و غذا را نگهداشته

و دور ریختند و به ما ندادند .

و در صورت اعتراض ما میگویند

مقامات بالا ( ساواک یا اطلاعات

شهرستانی ) چنین فرمانی را صادر

کرده اند . "

در برخی از زندانها بعد از

مبارزات طولانی به زندانیان "جیره

خشک" داد میند . آنها ترجیح میدهند که با این پول ناچیز خودشان تاهاوشام

مختصری بپزند . و از غذای آلوده و مشکوک زندان صرف نظر کنند .



ناصر رحمانی نژاد در نقش کال

در نامه زندانیان سیاسی زندان  
شماره ۴ قصر میخوانیم:

"جیره روزانه: روزی ۱۲ ریال

وجه نقد، ۴۴ گرم شکر، یک

گرم چای، ۰۰۰ و ۲ عدد نان

که غالباً دو روز مانده و بیات

است. تصور میکنم بد و نهر

توضیحی خود شما بهترید.

تید که چگونه بکنفرزندانسی

با این جیره ناچیز زندگی

خود ادامه میدهد. بچه‌ها

است که سایر لوازم و محتاج

ضروری را از قبیل لباس و

کفش و سلمانی و دارو و غیره اغلب در بهداری زندان یافت نمی‌شود، بایستی

از خارج تهیه کرد و خریداری نمود."

بیشتر زندانیان از محوطه های آزاد برای هوا خوری و ورزشی نمیبندند. در بعضی

موارد زندانیان اجازه دارند که در هفته فقط یکبار، آنهم پنج دقیقه، از هوای آزاد

استفاده کنند. در تمام دوران شکنجه و حتی گاهی تالظه اعدام به زندانیان

اجازه ملاقات با کسان خود را نمیدهند. اعتراض و اعتصاب زندانیان اولیای زندان را

به عقب نشینی هائی در این زمینه وادار کرده است. با اینهمه، تعداد ملاقاتی پوسته

یکی از شیوه های رایج تمهید و تهدید زندانیان بوده است.

در زندان های ایران اصول بهداشتی ابداء رعایت نمی‌گردد. یکی از زندانیان

سیاسی می نویسد:



رد پهل اول از چپ بر است؛  
رفقا حکمت جوه، خاوری، معتقدیان،  
نجاریان، محرم زاده،  
رد پهل دوم؛  
رفقا املان برهن و سلیمان  
دانشیان.

www.iran-archive.com

" هفته ها و ماه ها وحتى سالها ميگذرد و صحن زندان ضد عفوني نميشود . آب حوض هاي زندان هر چند سال يکبار عوض ميشود . در آشپزخانه هاي زندان دسته هاي گنديده سبزي با گل ولای همانطوري که از ميدان با فروش ها آورده ميشود ، بداخل ديگ ها ريخته ميشود . آشپز زندان با همان چکه هائي که در داخل آشپزخانه راه ميرود داخل ديگ هاي بزرگ غذا ميشود و چيزي را که بسه اصطلاح پلوانام دارد جهت تقسيم يا بيل از ديگ بزرگ بداخل ديگ هاي کوچک ميريزد . در آش وجود کفش کهنه ؛ لباس پاره و . . . امريست طبيعي . گاهگاه که تصميم به ناراحت کردن زندانيان ، خصوصا زندانيان سياسي ، دارندروي پلو يا آش و يا غذا ها ي ديگر سوسک زنده ميگذارند و با حشرات مرده را با نظم و ترتيب قرار ميدهند . در بند هاي خاص زندانيان سياسي بارها يراي اعتراضات پاينگونه رفتار و عدم رعايت ابتدائي ترين اصول بهداشتي اعتبار شده است . "

در زندان هاي ايران بيشتر زندانيان بسبب شکنجه ، بدی غذا ، تنگي جا و نبودن نور و هواي سالم بيمارند . يکي از زندانيان توده اي مينويسد :

" . . . مبتلا يا انواع امراض شده ام . ميروم بهداري ، قرص ميدهند . بجای اينکه حال بهتر شود ، دردها شديد تر ميشود . "

زنداني توده اي ديگري تعريف ميکند :

" زندانيان اغلب بيمارند و وسيله معالجه اي هم در کار نيست . بيمارستانها و درمانگاههاي داخل زندانها نيز نه تنها سودي بحال زنداني نميرسانند ، بلکه به آنها صدمه ميزنند . "

در نامه زندانيان سياسي زندان شماره ۴ قصر تهران ميخوانيم :

••• بقدری وضع دارو خراب است که داروهای محل حاجت و ضروری در داروخانه های زندان یافت نمیشود و زندانی با مضیقه و تهیدستی که دچار است، بایستی با بیماری دست بگیرد و نرسد. هر روز مواز معالجه چشم بهبود و یا با هزینه شخصی خود، بهر ترتیبی باشد، از خارج تهیه کند. برای معالجه به دکتر باید نوبت ها گرفت و تازه بعد از مراجعه سرسری و بدون توجه و زحمت معاینه میکنند. موضوع مهم دیگری که در امر بهداشتی حائز اهمیت است مسئله بخش اعصاب و روانی و طبیب معالج آنست. ••• چه خوب بود اگر شما میتوانستید با این طبیب روانی زندان (!!)، آقای جوهری (که همین یک نفر طبیب است و آهزار نفر زندانی سیاسی وادی زندان قصر) که خود مرض روانی دارد، تماس گرفته و ملاحظه میکردید به سر بیماران عصبی و روانی زندان، که متأسفانه عده آنها در زندان خیلی

زیاد و آنرا باید بیماری خاص زندانیان نام گذاشت، چه میاید و چه ناراحتی های عصبی است که شخص آقای طبیب برای زندانیان بیمار میآورد.

ما مهران "امنیت" نگاه و بیگانه، شب و روز، وارد سلول ها میشوند و با رفتار بیشرمانه و حیوانی خود برای مبارزان در بند ایجاد مزاحمت میکنند. آنها، چه بسا که، برخلاف آئین نامه های خود



حضرت آیت الله حسینعلی منتظری زندانی

سازمان امنیت، زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. برای نمونه، در یکی از نامه های زندانیان سیاسی زندان قصر شماره ۲ به کمیسیون حقوق بشر چنین می-خوانیم :

"... جلادان رژیم فاشیستی ایران زندان شماره ۳ قصر را به صحنه تاخت و تاز مبدل ساختند و در حدود ۲۰۰ نفر افسر، پاسبان و کماندو، با اسلحه و کارد و چاقو همچون درندگان نیمه شب بر مایوروش کردند و ابتدا با وضت ناراحت کننده ای ما را از خواب بیدار کرده و با جبار از اتاق بیرون راندند و در حالیکه عریده های مستانه میکشیدند و نسبت به زندانیان هتاکتی و فحاشی و قبیحانه ای میکردند، بچپاول و خوردن لوازم زندگی ناچیز ما پرداختند. چراغ های خوراک پزی، میز و صندلی، جالباسی و تخت خوابها (را) که همه با پول خود زندانیان فراهم شده بود، شکسته و یا به یخما بردند. پول و ساعت، هرچه یافتند غارت کردند... یک مشت زندانی چاقوکش، قاتل و جانسی را به محل زندانیان سیاسی انتقال داده، ما را با هرج و مرج بی بند و باری دست بگیربان ساختند..."

چنانکه معروف است، نصیری در یکی از بازرسیهای که از زندان قزل قلعه بعمل آورد، دستورات اکیدی مبنی بر ناراحت کردن زندانیان صادر کرد. وی امر داد که "روزی هزار بار آنها را بکشند."

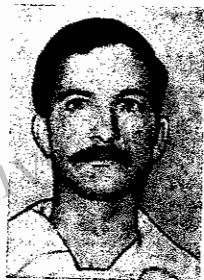
### شکنجه، اوج وحشیگری ساواک

وحشیگری جلادان حرفهای ساواک در شکنجه های دهشت انگیز زندانیان سیاسی اوج میگیرد. شکنجه گاههای شاه، هولناک ترین افسانه های قرون وسطایی را جان می بخشد و انسان را بی اختیار بیاد دد منشانه ترین جنایات نازی های آلمان

هیترلی، پاتستاها، سالازارها، وان تیوها و فرانکوها می اندازد. در واقع، تمام مخالفت نظام آریا مهری در وجود بیخوله ها و شکنجه سزای آن خلاصه می-شود.

در بیدادگاه های شاه بازجوئی و بازپرسی بدون شکنجه های حیوانی تصور-نا پذیر است. در حقیقت، با این باصطلاح، "بازجوئی ها" و "بازپرسی ها" تنها یک هدف شوم دنبال میشود، یعنی درهم شکستن غرور و شخصیت متهم و آوردار ساختن او به "اقرار" و تسلیم در برابر حکومت قلدری جلادان شاه در رازا ه پیشبرد این هدف از تشبیه بهیچ روش شیطانی خودداری نمی ورزند.

در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد از میهن پرستان زیر شکنجه بدست مرگ سپرده شده اند. در اینجا، برای نمونه از مبارزان شهید کلیا زاخاریان، محمود کوچک شوشتری، و ارطان سالخانیان، ستوان یک منزوی، حسین حریری، آبوس الفضل فرهی، کریم پور شیرازی، پرویز



موشنگ تیزایی

حکمت جو و هوشنگ تیزایی یاد میکنیم.

کلیا زاخاریان که ماه ها در زیر شکنجه توانفرسا بسر میبرد، در یکی از شکنجه گاههای پنهانی، مغزش را، بگفته زیبایی، چون "نم پس نداد"، با گولسه متلاشی کردند.

کوچک شوشتری و سالخانیان پس از ۱۴ روز شکنجه بلاانقطاع شهید شدند. جسد له شده سالخانیان را به رودخانه انداختند.

منزوی را وارونه از سقی آویختند و آنقدر با چوب و چماق به شکمش نواختند که سه روده هایش از گلویش بیرون آمد. تنها هنگامیکه جسدش پوی تعفن گرفت، دستور د فن او صادر شد.

حسین حریری، دانشجوی دانشکده فنی زیر شکنجه از پای درآمد.

ابوالفضل فرهی، که جسد نیمه جانش را پس از شکنجه های مرگبار به خانواده اش تحویل دادند، چند روز بعد بر اثر جراحات وارده درگذشت.

کریم پور شیرازی را، پس از شکنجه های متوالی و تحقیرآمیز، هنگامیکه شین در اتاق خود نیمه جان افتاده بود، دستور صریح اشرف، خواهر شاه، با نسفت سوزاندند.

پرویز حکمت جو، پس از نه سال زندان و تحمل شکنجه های فراوان در سیاهچال —  
 های گوناگون بدست آدمکشان محمد رضا پهلوی خائنانه بقتل رسید.

هوشنگ تیز آبی زیر شکنجه مقاومت کرد و کشته شد.



اطلاعات و تقریرات ناقصی که گاه گاه از بیغوله های رژیم جنایتکار شاه به خارج رخنه کرده است، قیافه دژم و پیرکین وحشیان آدم نماي ساواک را رسوا میسازد. ما در اینجا مختصری از آنها را در محرزداوری خوانندگان قرار میدهم:

یکی از زندانیان مینویسد:

”در ساعات اول گرفتاری هر بدبختی که شکار میشود، او را بدست مامورین مخصوص که برای این کار تربیت شده اند

اثرات شکنجه و سوختگی در بدن انصاری



میدهند. اسیر بد بخت را لخت میکنند و به چهارپایه میبندند و شلاق میزنند. این حکم اولین پذیرائی را از هر تازه واردی دارد و در حکم یک قاعده کلی درآمد ماست که تقریباً بطور یکسانی در باره هر تازه واردی اعمال میشود. خاصیت این شلاق ها اینست که گوشت بدن را میکند. شلاق تا حد بیهوشی ادامه دارد. آنگاه از زمانیکه احتمال بیهوشی بیقین تبدیل میشود، برای محکم کاری پنج ضربه محکم دیگر نواخته میشود و اگر از افراد مورد شکنجه اثر حیاتی و یا عکس العملی سر نرزد او را بیهوش حساب میکنند و برای بیهوش آوردن آب سرد برویش میریزند. وقتی بیهوش آمد، مجدداً شلاق شروع بکار میکند. این کار چندین بار ادامه می یابد. اما زندانیان معتقدند که تازه این شلاق ها آسان ترین شکنجه ها است و آغاز کار است. بعد دستبند قهانی بهمان می آید. اما این دستبند ها با آنچه زمان مختاری معمول بوده قابل مقایسه نیست. پس از بستن دستبند قهانی یک وزنه ۲۵ کیلوئی هم به آن میاویزند و آنگاه زندانی را وامیدارند راه برود و بضرع شلاق او را بحرکت وادار میسازند تا از ساد در آید. روزهای مداوم آنرا تکرار میکنند. پس از چند روز بعضی قسمت های بدن فلج میشود. انگشت از کار میافتد.

در تقریرات زندانی دیگر میخوانیم:

"هر قدر شخصیت اخلاقی فرد اسیر برجسته تر و روحیه او نیرومندی باشد، عکس العمل بعضی از مامورین نسبت باو شدیدتر میشود. گویانکه احیاناً مامورینی هم نسبت باو و حسن احترام بیشتری پیدا میکنند. گرفتن خواب برای مدت طولانی، دوانیدن سوزن بزیسر ناخن، سوزاندن پشت دست، پیشانی، پشت پلک چشمها آتش

سیگار، آمیزان کردن از سقف اتاق، و وانیدن موی اسب بجزای ادرار، همه اینها را با حرکات توهین آمیز دیگر، که هر انسان از بیان آن هم شرم دارد، بهم می آمیزند. حتی گاهی پیه مردان را هم بمنظور خوار و خفیف کردن بوسیله نیم بطری و تخم مرغ داغ مورد تجاوز قرار میدهند. دهه کسانیکه در اثر این اعمال وحشیانه یا در زیر شکنجه جان داده و یا برای يك عمر معیوب و معلول شده اند، کم نیست؟

در زندانهای سازمان امنیت علاوه بر اینگونه شکنجه ها، فشارهای روحی و روشنی های گوناگون ارباب نیز رایج است. مهندسان بازرگان در دادگاه تجدید نظر نظامی گفت:

"من خودم در لشکر زرهی خرسی را که در حمام تاریک بسراغ خترها میفرستادند، دیده بودم."

اعضای سازمان افسری حزب تودهایران

را پس از دستگیری به اتاق میبردند و اشک با هفت تیر لخت و ضامن کشیده وارد میشد و آنها را بمرگ آبی تهدید میکرد.

یکی از شیوه های متداول ارباب، شکنجه زندانیان در برابر بستگان آنها است. در نامه پرویز عدالت منش به رئیس دادگاه تجدید نظر میخوانیم:

"... بعد از ظهر توسط سر هنگ سالاری به بازجویی محرفی شدم و در حین بازجویی مقدماتی، پدم و برادران اینجانب بنام خسرو و



کرامتاله دانشمندان

ولی عدالت منثروا... برای شکنجه روحی دستگیر کرده بودند و بمن  
 گفتند که آنها را هم برای خاطر تو گرفته ایم. می بایستی تمام حقایق  
 را بگویی. پدرم را آوردند و گفتند تمام ریش: خال: پیش را دانه دانه  
 میکنیم... (سرهنگ سیاحتگر) مرا بلند کرد و بعیله ملاقات بست و از  
 پشت دستهای مرا با یک زنجیر نازک بست که انتهای آن شکل مخصوصی  
 داشت که پایش را در آن میگذاشت و بطرف پائین فشار می آورد.  
 دستهای من از عقب بطرف پائین با فشار مخصوصی کشیده میشد.  
 در همان حال میگفت که اگر اینها را نکوشی با بطری کانادا - کسه  
 جلوش بود - خدمت میرسم. پدر و برادرانت اینجا هستند. مادرت  
 را هم بعیان زنان فاحشه فرستاد ایم... خلاصه مرتباً میگفت و میزد.  
 این قسمت را مرتباً رویش تکیه میکرد و میگفت مرا نمیشناسی، من کسی  
 هستم که وارطان (را) که بازویش باندازه کمر تو بود، زیر شکنجه  
 کشتم. مخش را با مته سوراخ کردم. تا حالا ده نفر را زیر شکنجه  
 کشته ام. مواظب باش تو یازدهمین نباشی و همچنین میگفت. من  
 حیوانی هستم که در هیچ جنگلی نظیرم پیدا نمیشود...

راستگویی استثنائی جناب سرهنگ قابل تقدیر است. ایشان در عین حال قدری  
 عدم تواضع بخرج میدهند، چه در جنگل سازمان امنیت نظیر چنین درندگان  
 خونخواری بسیار است.

حقوقدان ها و نمایندگان مراجع بین المللی نیز، که با وجود اشکال تراشی هائی  
 کارشکنی های بیشمار مقامات ایرانی برای پوشاندن واقعیات، در سالهای گذشته  
 فرصت بازدید از ایران و احیاناً ملاقات متهمان را داشته اند، اعمال شکنجه را در  
 ایران تأیید میکنند. کوالیری، حقوقدان ایتالیائی، در یکی از گزارشهای خود  
 مینویسد:

"۰۰۰ با این نتیجه رسیدم که این شکنجه ها شامل استفاده از یک نوع صندلی الکتریکی با شوک های تدریجی و متزاید، فروکردن سیم برق در گوش ها و قسمت های دیگر بدن و اجسام خارجی داغ در مقعد، سرازیر آویزان کردن متهمین به مدت های طولانی و توام با شلاق، شکستن دندانها و کتک با پا طوم بوده است."

ولیم ویلسن، نماینده مجلس انگلستان، که در دادگاه بدوی "گروه جزئی" شرکت کرده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت:

"بعد از دستگیری، بازداشت شدگان را در یک زندان متعلق به ساواک نگاه داشتند. در باره محل اقامت آنها به بستگان ایشان خبری داده نشده بود و ملاقات با ایشان نیز ممنوع بود. در مدتی که دستگیر شدگان در زندان ساواک بسر میبردند، به هیچ یک از آنها اجازه مشاوره با هیچ وکیل مدافعی داده نمیشد. متهمین چندین ماه در این بازداشتگاه زندانی بودند. در این مدت ما مورسین ساواک از آنها اقرار گرفتند. بسیاری از دستگیر شدگان از رفتار غیر انسانی که به آنها شده بود شکایت میکردند و یکی از آنها در جریان محاکمه گفت: «بعلمت رفتار خشن پلیس او مجبور بود مدت دو هفته روز در بیمارستان بسربرد. بنا بر این اظهارات، برای من تعجب آور نبود، وقتی شنیدم دادستان اعلام کرده، که دستگیر شدگان همه اقرار کرده اند."

در خیماں ساواک با اعمال شکنجه و فشار جسمانی و روانی به زندانیان نه تنها به مقام والای انسانی توهین میورزند، بلکه مخالف نص صریح ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر و قوانین جزائی ایران عمل میکنند. ماده ۱۳۱ "قانون مجازات عمومی ایران" مقرر میدارد:

"هرگاه یکی از مستخدمین قضائی یا غیر قضائی دولت برای اینکه متهمی را مجبور باقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کرده‌ویا در این باب امری دهد، به حبس یا اعمال شاقه از ۳ الی ۶ سال محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و آزار فوت کند، مرتکب مجازات قتل و آمر مجازات امر قتل را خواهد داشت."

بنا بر این، اقامری که یا به جبر گرفته و یا بدروغ به متهم نسبت داده شده است، طبق قوانین کشور فاقد هرگونه ارزش قضائی است. حتی احکام زندان و اعدام ملوکانه نیز نمیتواند به این بیدادها رنگ قانونی بخشد.

در این زمینه جالب است که شاه شکنجه که در اظهارات مختلف خود گاه وجود

شکنجه را در ایران تأیید و گاه انکار

میکند، وی در یکی از مصاحبات خود

با خبرنگار "بی بی سی" در

برابر پرسش: "بحقیده شما میتوان

از نحوه اجرای وظائف ساواک به

طرزی منصفانه انتقاد کرد؟" در

کمال خدعه گری و ابله نمائی میگوید:

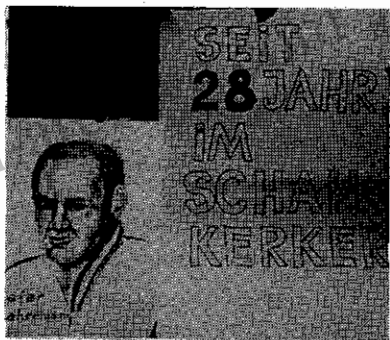
"این بستگی بان دارد که

کدام نحوه اجرا مورد نظر

باشد. فکر میکنم مقصود شما

اتهاماتی باشد که در مورد

شکنجه کردن مردم به این



صفر قهرمانی که بیش از ۲۹ سال است که در زندانهای شاه بسر میبرد

سا زمان وارد آمده است. تصور نمیکنم این امر حقیقت داشته باشد،

زیرا روش جدید سؤال کردن از مردم خود نوعی شکنجه است."

اکنون، نظارت مستقیم شاه بر جریان شکنجه رازی است گشوده و گفته می‌شود



خسرو گل‌سرخ

نصیری، رئیس سازمان امنیت مجریان شکنجه‌ها را، حتی ساعت به ساعت به او گزارش می‌دهد. بنا بر اعتراف فرج، او و شاه یکوقت تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب بیدار ماندند تا یکی از متهمان "روداد کاخ مرمر" را برای اقرار نزد آنها آورند. در دادگاه گل‌سرخ، دانشیان خبرنگاران به چشم خود دیدند که گل‌سرخ برای اثبات وجود شکنجه ناگهان لباس خود را از تن در آورد و بهمین دلیل نیز برنامه پخش تلویزیونی دادگاه میکباره قطع شد.

سازمان امنیت در دوران اخیر هر روز شیوه تازه‌ای برای شکنجه زندانیان سیاسی بکار میبرد. ناظران فرانسوی، نوری آلبالا و آنری لیبرتالیس، از یک نوع اجاق برقی برای سوزاندن متهم سخن می‌گویند. متهم را با تسمه بر روی صفحه این اجاق می‌بندند و سپس آنرا به برق وصل می‌کنند. وقتی که بوی گوشت کباب شده بدن اوضاع را پر کرد، برای گرفتن زهر چشم زندانیان دیگر را به شکنجه گاه می‌آورند و بتما شا وا میدارند. ناصر صادق و علی میهن دوست در برابر پرسش ناظران فرانسوی که آیا آنها را پس از دستگیری کتک زده‌اند، گفته‌اند: "نه، ما را کباب کردند!" بنا بر گزارش آلبالا و لیبرتالیس، پاهای مهندس اصخر پدیخ زادگان بر اثر بستن به اجاق برقی فلج شد. وی در روزهای پیش از شهادت بجای راه رفتن روی زمین می‌خزید.

یکی از شیوه های جدید رژیم ایران نابودی گروهی زندانیان سیاسی است .  
 ظاهراً منظور از این توطئه جابرا نه بازکردن جا برای صدها رزمجوی کارگر، دانشجو  
 و روحانی است . برای نمونه ، در اینجا از گروه نه نفری ( جزینی ، کلانتری ، سورکسی ،  
ظریفی ، سرمدی ، خوشدل ، افشار ، ذوالانوار ، چهارزاده ) نام می بریم ، که  
 در فروردین ۱۳۵۴ زیر عنوان مسخره و دروغین " فرار " با گلوله از پای درآمدند .  
 بنا بر خبر روزنامه فرانسوی لوموند :

" قبلاً به این عده پیشنهاد شده بود که به حزب واحد بپیوندند و  
 در تلویزیون از شاه و رژیمش تعریف کنند . البته آنها این پیشنهاد  
 را نپذیرفته بودند . "

### پیدادگاه های نظامی

بموجب برآوردی ، بیش از نود درصد از زندانیان سیاسی یا هیچ محکومیت  
 دادگاهی ندارند و یا آنکه دوره محکومیت آنها سال هاست که به پایان رسیده است  
 و بخلاف قانون در سیاه چال های شاه شکنجه و عذاب می بینند . بعضی نیز ، چون  
چهارزاده ، دانشجوی منتسب به گروه جزینی ، پس از گذراندن دوران محکومیت  
 سر به نیست میشوند .

چنانکه دادستان نظامی ایران رسماً اعلام داشته است :

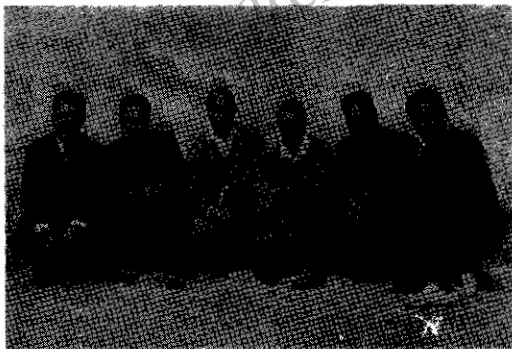
" آن دسته از زندانیانی که جوان هستند و قدرتی دارند بایستند  
 آنقدر در زندان بمانند تا پیر و طویل و فرسوده شوند و سپس از  
 از زندان خارج گردند . دسته دیگری که نسبتاً سالخورده هستند  
 آنقدر بمانند تا جنازه آنان از زندان خارج شود . "

قهرمانی ، حجری ، کی منش ، صوفی و شلتوکی از جمله مبارزان با ایمانی هستند  
 که سالها دراز از زندانی به زندان دیگر انتقال می یابند و دیگر جوانی و تندستی

خود را از دست داده اند .

هم اکنون هزاران نفر از سازمان ها و گروه های گوناگون ، مانند خابری ها ،  
فقاری ها ، طالقانی ها ، دکتر شریعتی ها ، پاک نژاد ها ، پاتهام دادطلبی و دفاع  
 از حقوق انسانی خود و هموطنانشان در زندان های هراس انگیز شاه بسر میبرند .  
 زندانیانی هستند که مدت ها است دوره " محکومیتشان " سپری شده است ، ولی  
 همچنان در بند ساواک بسر میبرند ، از جمله : محمد زاده ، رزم دیده ، زرقانی ، جعفر  
گودرزی ، شریفی ، پاکزاد و مرتضائی فر .

در سراسر دوران حکومت کودتا کلیه محاکمات سیاسی به دادگاه های نظامی  
 ارجاع شده است . مستند این با اصطلاح دادرسی ها قانون سیاه سال ۱۳۱۰ و  
 متمم آنست . این قانون ، که در اوج قدرت رضا شاه بتصویب مجلس دست نشانده  
 آن زمان رسید ، با قانون اساسی ایران ، منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه حقوق



رقتا: بدرالدین مدنی ، صفر قهرمانی ، حمید قام نریبان ، محمد علی یثدا ،  
 پرویز حکمت جو و عزیز یوسفی در زندان برازجان



بشر مغایرت دارد زیرا که هرگونه عقیده سیاسی و اجتماعی را، که با حکومت مطلقه و مستبدانه شاه مخالفت ورزد، جرم می شناسد. در زمان پادشاهی رضاشاه، پیگرد و دادرسی افراد بموجب مبرجات این قانون از جانب دادگاه های دادگستری انجام میگرفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد، شاه فعلی از پدر "بزرگوار"ش گامی فراتر نهاد و محاکمه متهمان سیاسی را به دادگاه های نظامی سپرد.

بدیهی است، دادگاه های که تشکیل و صلاحیت آنها، بر طبق ماده ۲۱ "قانون دادرسی ارتش"، منوط به اجازه و تصویب شخص شاه و دادستان آن نیز بموجب ماده ۴ این قانون "نماینده بزرگ ارتشتاران فرمانده" باشد، طبعاً از هرگونه استقلال عمل بی بهره است. هنگامیکه یکی از دادستان های ارتش، بعنوان نماینده شاه، در توجیه کشتارهای غیر انسانی رضاشاه اعلام میکند: "از این خونها باید زیاد ریخته شود، تا پایه سلطنت علیحضرت استوار گردد"، نباید در شگفت بود که میهن پرستان ایران بچنین "دادگاه های" نام "پیدادگاه" دادمانند، جالب است که مقامات نظامی بارها منکر جنبه سیاسی محاکمات میارزان سیاسی شده اند. آزموده، دادستان پیشین ارتش، در پاسخ خبرنگار کیهان که از سرنوشت محکومان سیاسی از او سوالی میکند، میگوید:

"من نمیدانم منظورتان از زندانی سیاسی چیست؟ در قوانین ایران جرم سیاسی تعریف نشده و از لحاظ دستگاه قضائی ارتش زندانی سیاسی مفهومی ندارد. شاید منظورتان کسانی هستند که بر ضد امنیت کشور یا بر ضد اساس حکومت جراحی مرتکب شده اند و یا داخل در دستجاتی با مرام و رویه اشتراکی بوده و در دادگاه های نظامی محکومیت قطعی حاصل کرده اند!"

گارید و حقوقدان فرانسوی، گزارش میدهد که:

"سرتیب فرسید در باره معنی جنایت یا جرم سیاسی ۱۰۰۰ ادعا

نمود که جرم سیاسی هیچ تعریفی ندارد و نمیتوان گفتکه جرم سیاسی چه میباشد."

برغم "نمایندگان بزرگ ارتشتاران فرمانده"، قانون اساسی ایران در ماده ۷۹ خود رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه های عادی یا حضور هیئت منصفه میگذارد. طبق ماده ۱ "قانون هیئت منصفه"، "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دیوان جنائی و با حضور هیئت منصفه بعمل خواهد آمد."

با آنکه اظهارات آزموده و فرسیو با احتمال قریب به یقین تنها بر بی اطلاعی حقوقی آنها مبتنی نیست، نوشته زیر که از گزارش اریک رولو، خبرنگار لوموند، از یکی از این محاکمات نقل میشود، جالب توجه می نماید:

"قضات، هشت وکیل مدافع، و دادستان همگی "اهل فن" هستند. جای تعجب اینجاست که تنها چهار نفر از آنها تحصیلات حقوقی دارند. حتی دادستان، ژنرال فرسیو، کسه وقتی به قانون استناد میکند، حالت قاطع و خشک بخود میگیرد، با فروتنی اعتراف میکند که 'مشخص حقوقی نیست و با' با تواضع بیشتری اضافه میکند که 'هیچگونه تربیت سیاسی ندارد' (وی) با قدرت میگوید 'سرنوشت سلطنت ایران به نتیجه این دادگاه بستگی دارد'."

بررسی نحوه عمل دادگاه های نظامی نشان میدهد که آنها در واقع قسم و مکمل شکنجه سراهای شاهنشاهی هستند. با آنکه سری بودن دادگاه عملاً هیچگاه اعلام نمیشود و اسما همه محاکمات طنزی و عمومی است، در واقع هیچ ایرانی و خارجی نمیتواند بدون دریافت اجازه مخصوص در دادگاه شرکت کند. اغلب خبر محاکمه در بهترین حال پس از آغاز آن منتشر میشود. بارها اتفاق افتاده است که

مردم پس از صدور رای دادگاه و احياناً بعد از اعدام متهمان از سرنوشت آنها آگاه گشته اند. بعضی وقت ها، دادگاه در خود سلول متهم برپا میشود، ما ننند محاکمه قهرمان شهید، روزی.

دادخواست ها بدون هرگونه ارزش قانونی است، زیرا که نه از طرف دادگستر بلکه توسط سازمان امنیت تهیه شده و حداکثر بر "اقرار" هائی متکی است. کسه بر پایه شکنجه های توانفرسا گرفته شده است. علاوه بر این، بسیاری از بازخواستها بدون تاریخ و امضای بازخواست کننده و متهم است. عدم حضور شهید در بیشتر محاکمات یکی دیگر از قانون شکنی های سازمان امنیت است. در ایران نه آزادی دفاع از جانب متهم وجود دارد و نه تضمین های دقاعی برای وکیل او. متهم را تهدید میکنند که چنانچه در دادگاه از شکنجه سخن گوید، دباره و شدیدتر شکنجه خواهد شد. در مواردی، وکیل مدافع را پس از دفاع از متهم دستگیر، محاکمه و محکوم کرده اند. برای نمونه، از سرتیپ علی اصغر مسعودی، سرهنگ رحیمی، سرهنگ غفاری و دکتر سرهنگ علمیه، وکلای مدافع مهندس بازرگان، دکتر سنجابی و آیت الله طالقانی یاد میکنیم. حتی اعضای دادگاه های فرمایشی نیز همیشه از غضب ملوکانه ایمن نبودند. گفته اريك رولو:

"... دادگاه نیز محکوم با احتیاط است. سال گذشته اعضای يك دادگاه نظامی، که خود را غیر صالح برای محاکمه يك وزیر جنگ سابق اعلام کرده بودند، دستگیر



دکتر عباس شیبانی

خلق درجه شده و از ارتش اخراج گردیده بودند \* \* \*

بنابراین، شگفت نیست که در حقیقت حکم محکومیت متهمان مدت‌ها پیش از آغاز محاکمه صادر می‌شود و بسخن دقیق تر از جانب شخص اعلیٰ حضرت! برای نمونه، خود او در چریان یکی از دادرسی‌های تجدید نظر، آشکارا (و ظاهراً کمی ناشیانه) رای محکومیت متهمان را صادر کرد. وی در مصاحبه‌ای با نماینده "لوموند" گفت: "جوانانی که در دادگاه تجدید نظر نظامی تحت محاکمه اند، مجرمند!" (تکیه از ما ست) \*

بدین سان، طبیعی است که در رای دادگاه‌ها به مقررات و موازینی که قانون

برای هر جرم در نظر گرفته است، ابتدا توجه نمی‌شود \*

چنانکه سازمان "غلوبین العلی" در آخرین گزارش سالانه خود اطلاع می‌دهد، ایران از حیث شماره اعدام شدگان در دنیا مقام اول را حائز کرده است. بنا بر سر تخمین این سازمان، از آغاز سال ۱۹۷۱ میلادی تاکنون بیش از ۳۰۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند. در این اواخر، ضحاک خون آشام ایران در راه نقض قوانین کشور (و یا شاید بتعبیر او و خواهر و لایش "تامین برابری حقوق زنان و مردان") تا آنجا پیش‌رفته که برای نخستین بار یک زن (منیژه اشرف زاده کرمانی) را بجرم سیاسی به اعدام محکوم و این حکم را نیز اجرا کرده است. تاجائیکه "لوموند" مینویسد:

"ایران از دیدگاه ما دارای یکی از نا نجیب‌ترین رژیم‌های جهان است" \*

و بقول یکی از مفسران تلویزیون آلمان فدرال:

"رژیم ایران روی رژیم فرانکورا سفید کرده است" \*

رسوایی بیدادگاه‌های شاه بجائی رسیده است که رژیم در سالهای اخیر هرچه بیشتر از این محاکمات کذائی صرف‌نظر و بجای آن مخالفان خود را در کوچه، ببرزن، کویر، دریاچه و زندان سر به نیست می‌کند \*

## ترور و اختناق؛ اینست شمره پنجاه سال سلطنت شوم دودمان پهلوی!

### سازمان امنیت قدر قدرت نیست

طیرغم همه پیگرد ها، توقیف ها، شکنجه ها، محکومیت ها و کشتارها، تاریخ درخشان پیکار میهن پرستان کشور ما با رژیم خودکامه پهلوی نشان میدهد که سازمان امنیت، با وجود درندگی و دوزخی بودنش، قدر قدرت نیست. قدر قدرتی ساواک افسانه ایست که خود سازمان امنیت در ابداع و ترویج آن تا سهیم نبوده است. با هشیاری انقلابی، مراعات اکید اصول پنهنجا نکاری، تکیه به شرافت و میهن پرستی اکثریت مطلق مردم کشور ما، مخالفت آنها با رژیم دیکتاتوری شاه و نفرتشان نسبت به شیوه های حیوانی ساواک، استفاده از تضاد و فساد درونی رژیم و کار بست کلیه وسائل علنی و غیر علنی میتوان امکانات وسیعی برای مبارزه پیشترانه و پیروزماندانه پدید آورد.

### متحد شویم و برای آزادی زندانیان سیاسی پیکار کنیم

ما بناسبت ۲۱ اردی بهشت، روز زندانیان سیاسی ایران، در برابر خاطره تابناک خسرو روزیه، سرماز راستین سنگر آزادی و دیگر شهیدان رژیم خون آشام سر تحظیم فرود می آوریم و به همه میهن پرستانی که بخاطر پیکار در راه نیکو روزی مردم ایران در بیخوله ها و شکنجه گاه های حکومت جنایتکار پهلوی رنج میسرنند درود آتشین میفرستیم.

زندانهای سیاسی قشرهای مختلف جامعه ما را در بر میگیرند و از آرمان های بس گوناگون پشتیبانی میکنند. ولی "گناه" مشترک آنها آزادی خواهی، داد پرستی و دفاع از حقوق انسانی است. آنها که ضرورت یگانگی در برابر دشمن را هر آن با پوست و گوشت خود احساس میکنند، طبعه زندانبانان خود متحد میشوند. خواهان برادران زندانی ما بیش از پیش در می یابند که پیکار با ترور و اختناق تنها بسا

مبارزه متحدانه در راه سرنگونی رژیم خودکامه شاه میسر است.  
 وظیفه هر میهن پرست ایرانی است که از قهرمانان شهید و زندانی خود الهام  
 و درس بگیرد و به صف متحد پیکار جهان ضد رژیم استبدادی شاه بپیوندد. یکی  
 از مهم ترین اشکال مبارزه با حکومت دیکتاتوری شاه، پیکار برای آزادی زندانیان  
 سیاسی است. باید کارزار دفاع از زندانیان سیاسی را همچنان گسترش داد و آنرا  
 به جنبشی توده ای در پهنه بین المللی تبدیل کرد. لازمست که از نیروهای  
 پیشرفت جوی جهان، سازمان های دمکراتیک بین المللی، کمیسیون حقوق بشر،  
 شخصیت های برجسته دنیای دانش، ادب و هنر برای رهائی هزاران رزمننده  
 زندانی یاری جست.

هموطنان!

بکوشیم تا با مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی دین خود را به این آزادگان  
 اسیر ادا کنیم!

متحسد شویم و بسرای آزادی  
 زندانیان سیاسی بیکار کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
 وظیفه مبرم همه نیروهای ملی است

باز دارید ای رفیقان!

در پس دیوارهای تیره زندان تهران  
دشنة خود را نماید تیز دژخیم سیه جان  
قلبهائی می تپد در انتظاری مرگ گستر  
روح را لرزنده سازد از طنین زجر آور  
گریه انده فزای کودکی همراه مادر ،  
باز از ما دیو خواهد چند قریانی دیگر  
باز دارید ای رفیقان!

باز دارید ای رفیقان دست جلاد ستمگر!

باز دارید ای رفیقان دست دژخیم ستم را  
عاطل و بی بهره نگذارید وقت مغنم را  
هان فروبندید بال تیره جغد عدم را  
بانگ بردارید کاینجا بد نهادی ، زشتکاری  
در کمین جان پاکان هشته دام مرگباری  
بانگ بردارید ، کای خلق جهان ، در میهن ما  
سرب سوزانست پاسخ ، گر بهرسی از عدالت  
هر ره دیگر بود مسدود جز راه رذالت  
وصف ایران را مجوسید از خلال داستانشا  
نیست ایران کشور افسانه رنگ کامکاران  
کشور فقر است و زندان است و زجر و تیر باران  
بانگ بردارید ، تا کی خون گرنگ اسیران  
فارغ از هر کیفیری جاری شود بر خاک ایران

دوستان در سایه دارند - منشینید خامش!  
 زیر ساطور تبه کارند - منشینید خامش!

در پس دیوارهای تیره زندان تهران  
 دشته خود را نماید تیزد زخیم سیه جان  
 قلبهائی می تپد در انتظارى مرگ گستر  
 باز دارید ای رفیقان!  
 باز دارید ای رفیقان دست جلاد ستمگر  
 دوستان خواهان امدادند، سوشان دست یازید!  
 سدی از پرخاش در راه جنایت بر فرازید!

## آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich

Kreissparkasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen

Girokonto 1656974

Gustav Sobich

Friedenau 3

4270 Dorsten 3

West-Germany

## ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries